

قاچاق کالا و تعامل آن با جنایات سازمان یافته و تروریسم

دکتر جمال بیگی^۱، رزاق خوشیاری^۲

تاریخ ورود: ۱۳۹۸/۰۵/۰۱

چکیده

تمام کشورهای جهان متناسب با سیستم اقتصادی خود، مقررات خاصی را در خصوص نحوه ورود و خروج کالا تعیین می‌نمایند. قاچاق کالا از جمله جرائم اقتصادی است که به جهت اختلال در نظام اقتصادی و نقصان درآمدهای دولت، جرم‌انگاری شده است. با توجه به درگیر بودن کشور ما با این جنایت سازمان یافته، جا دارد ضمن تعریف و تبیین مبانی و ارکان قاچاق کالا و آسیب‌شناسی قوانین مرتبط، تعامل آن با سایر جنایات سازمان یافته و تروریسم، شناسایی و بررسی شود.

هم‌چنین بررسی ایرادها و نقاط ضعف و راه‌حل‌های رفع آن‌ها در قوانین موضوعه با بهره‌گیری از یافته‌های علوم جنایی، به منظور رسیدن به یک سیاست جنایی منسجم و کارآمد جهت پیشگیری و مقابله با قاچاق کالای سازمان یافته و تأمین مالی اهداف تروریستی، از مسائل طرح شده در این مقاله خواهد بود.

واژگان کلیدی:

قاچاق کالا، جنایت سازمان یافته و تروریسم

۱. دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد

مراغه، Jamalbeigi@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل، R_khoshyari@yahoo.com

مقدمه

شرایط رشد اقتصادی کشور، برنامه‌های توسعه‌بخشی، حساسیت افکار عمومی، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تأثیر قاچاق کالا و ارتباط آن با سایر جرائم اقتصادی سازمان‌یافته بر رقابت‌پذیری اقتصاد و الزامات سند چشم‌انداز بیست ساله نظام جمهوری اسلامی ایران و ... ایجاب می‌نمایند که بحث پیشگیری و راهکارهای مقابله با قاچاق کالا در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی جدی گرفته شود.

ضرورت هماهنگی و همکاری کشورها با پدیده قاچاق کالا به هنگام ارتکاب این جنایت توسط گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته دو چندان می‌شود. زیرا امروزه شبکه‌سازی سازمان‌های جنایی قدرتمند در فعالیتهای مجرمانه اقتصادی، تأثیر شگرفی بر اقتصاد، سیاست، امنیت و در نهایت کل جوامع ملی و بین‌المللی می‌گذارد. در این میان، زمانی که گروه‌های تروریستی برای تحصیل قدرت موردنظر یا تأمین بودجه عملیات خود به استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جنایات سازمان‌یافته (مثل قاچاق کالا) متوسل می‌شوند، این سؤال‌ها مطرح می‌کند که آیا تروریسم جنایت سازمان‌یافته فراملی است؟ و در صورتی که گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته، قاچاق کالا را در راستای تأمین مالی اهداف تروریستی مرتکب شوند، اقدام آن‌ها جرم تروریستی محسوب می‌شود یا به عنوان مصداقی از جنایت سازمان‌یافته فراملی.

در این مقاله به جهت ارتباط تنگاتنگ قاچاق کالا با جنایات سازمان‌یافته و تروریسم، درصدد اثبات این فرضیه‌ها خواهیم بود که چون در جرائم تروریستی، انگیزه مجرمانه بیش‌تر عقیدتی یا سیاسی است نه مالی، بنابراین تروریسم جنایت سازمان‌یافته فراملی محسوب نمی‌شود. به همین صورت، گروه‌های تروریستی که برخی مواقع به استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جنایات سازمان‌یافته جهت تحصیل قدرت یا تأمین بودجه عملیات خود متوسل می‌شوند به دلیل داشتن انگیزه مکتبی و ایدئولوژیکی، گروه سازمان‌یافته تلقی نمی‌شوند. کما این‌که مستند به بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌الملل (این کنوانسیون که در تیرماه ۱۳۷۸ در بورکینافاسو به تصویب اجلاس وزیران امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در تاریخ ۱۳۸۰/۳/۲۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی ایران رسیده است) کلیه اشکال جرائم بین‌المللی از

جمله قاچاق کالای سازمان یافته به منظور تأمین مالی اهداف تروریستی، جرم تروریستی محسوب می‌شود نه جنایت سازمان یافته فراملی. سامان‌دهی این پژوهش در سه محور قاچاق کالا، جنایت سازمان یافته و تروریسم؛ نحوه تعامل و وجوه تمایز این عناوین مجرمانه را در طی مباحث آتی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

تعاریف و مفاهیم:

۱- قاچاق کالا

قاچاق کالا از جرائم مخل به نظام اقتصادی هر کشوری محسوب شده که موجب نقصان درآمدهای دولت می‌شود. لذا با توجه به درگیر بودن کشور ما با این جرم اقتصادی، جا دارد تعریف قاچاق و عناصر آن ذکر شود. در ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز آمده است:

قاچاق کالا و ارز: هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و براساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود.

تعریف قاچاق و تبیین عناصر و مبانی آن

کنوانسیون بین‌المللی کمک‌های متقابل اداری به منظور پیشگیری، تجسس و جلوگیری از تخلفات گمرکی مصوب اکتبر ۱۹۷۷، تعریف زیر را از قاچاق ارائه داده است: «اصطلاح قاچاق عبارت است از تقلب گمرکی که شامل گذراندن مخفیانه کالا به هر طریقی از مرزهای گمرکی است که بدان وسیله شخصی موجب اغفال گمرک و فرار از پرداخت تمام یا بخشی از مالیات‌ها و عوارض مربوط به ورود یا صدور شده و یا اجرای ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های موضوع قانون امور گمرکی را نادیده گرفته و یا منافی مغایر با قانون امور گمرکی به دست آورد». (منصور، مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی، صص ۱۳۱۰-۱۳۰۹)

قاچاق براساس کنوانسیون ناپروبی، تخلفی گمرکی است که شامل جابه‌جایی کالا در طول مرزهای گمرکی به روشی مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی می‌شود. (بنائی، آشنایی با مقررات گمرکی و ترخیص کالا، ص ۷۶)

علاوه بر آن که در قوانین متفرقه، مانند قانون انحصار تجارت خارجی و قانون مجازات مرتکبین قاچاق و ...، تعاریفی از جرم قاچاق به عمل آمده، ماده ۲۹ قانون امور گمرکی در ۱۱ بند مواردی از قاچاق را احصاء و در بند ۱ آن مبادرت به تعریف ذیل نموده است: «وارد کردن کالا به کشور یا خارج کردن کالا از کشور به ترتیب غیرمجاز، مگر آن که کالای مزبور در موقع ورود یا صدور ممنوع یا غیرمجاز یا مشروط نبوده و از حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض بخشوده باشد». در این تعریف

الف. عنصر مادی جرم، اصطلاحاً عمل مثبت مادی است.

ب. کالا از عموم و اطلاق لازم برخوردار است.

ج. مطابق این بند، جرم قاچاق وصف خارجی دارد. بدین معنی که محل ارتکاب، نقطه‌ای در خارج از کشور و در نقطه دیگر در داخل کشور است.

د. قانونگذار برای تحقق جرم کامل، احراز یکی از موارد ذیل را کافی به مقصود دانسته است:

۱. کالا هنگام ورود یا خروج به ترتیب غیرمجاز مشمول محدودیت قانونی باشد (ممنوعه یا مشروطه).

۲. کالا مشمول پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض (برای واردات) یا تودیع پیمان (برای صادرات) باشد.

اداره حقوقی وزارت دادگستری هم قاچاق را چنین تعریف می‌نماید: قاچاق عبارت است از وارد کردن یا صادر کردن کالا بر خلاف قوانین و مقررات جاریه و یا اقدامی که قانوناً در حکم قاچاق محسوب شده است. (وزارت دادگستری و سازمان تعزیرات حکومتی، مجموعه کامل قوانین و مقررات راجع به قاچاق کالا و ارز، نظریه اداره حقوقی وزارت دادگستری شماره ۷/۷۹۸۷-۱۳۷/۱۲/۸، ص ۲۱۸)

آخرین تعریف در قانون بودجه سال ۱۳۸۳ ارائه شده است که به موجب آن «کالاهایی که از خارج از مبادی رسمی وارد کشور شده باشد قاچاق است و هر جا یافت شود قابل کشف و پیگیری خواهد بود». این در حالی است که قبلاً به اعتقاد بسیاری از قضات دادگاه‌ها، کالای قاچاق اگر به بازار داخلی راه می‌یافت، قاچاق تلقی نمی‌شد. (وطن‌پور،

مباحث پایه‌ای و رهیافت‌های مطالعاتی پیرامون قاچاق کالا، ص ۴)

دست‌اندرکاران قاچاق کالا معمولاً با تشکیلاتی سازمان یافته و منسجم به فعالیتی گسترده می‌پردازند، تا جایی که می‌توان گفت تشکیلات قاچاق از سه شبکه که به صورت زنجیروار به یکدیگر متصل‌اند تشکیل می‌شوند که عبارتند از:

۱. شبکه تهیه قاچاق

۲. شبکه عبور مرزی قاچاق

۳. شبکه توزیع قاچاق (سیف، قاچاق کالا در ایران، ص ۲۵)

برای تبیین عناصر و مبانی ارتكابی جرم قاچاق نیاز است که جایگاه حقوقی این جرم در طبقه‌بندی کلی و با توجه به تعدد و تنوع جرائم مشخص شود. جرم قاچاق که نظم عمومی را مختل و موجب ایراد ضرر و زیان به خزانه مملکت می‌شود، از جمله جرایمی است که واجد هر دو حیثیت عمومی و خصوصی بوده و به دلیل داشتن حیثیتی دوگانه دارای دو ادعاست:

۱. ادعای عمومی برای حفظ حقوق عمومی

۲. ادعای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان وارده به خزانه مملکت

عناصر عمومی	عناصر اختصاصی
عنصر قانونی	عنصر مالی (مشمول حقوق و عوارض)
عنصر مادی	عنصر شرطی (شرطیت)
عنصر معنوی	

اجتماع عناصر عمومی (قانونی، مادی و معنوی) خواه منجر به نتیجه مجرمانه مطلوب شده باشد، خواه خیر، غالباً موجب تحقق جرم است و اجتماع عناصر عمومی سه‌گانه و تقارن آن‌ها با عناصر یا عنصر اختصاصی دوگانه (عایدی بودن کالا و شرطیت آن)، منجر به تحقق جرم قاچاق خواهد شد. (احمدی، پیشین، صص ۶۷-۸۳) عنصر مادی به صورت فعل یا ترک فعل می‌تواند ظاهر شود و در بسیاری از موارد قاچاق گمرکی، رکن معنوی (سوءنیت) مفروض است و با تحقق عنصر مادی، فرض بر این است که مرتکب دارای سوءنیت نیز بوده است. بدین ترتیب به جهت تلقی قاچاق به عنوان یک جرم مادی

صرف، گمرک وظیفه‌ای در تشخیص سوءنیت یا عدم سوءنیت متهم ندارد، به استثنای بند ۷ ماده ۲۹ قانون امورگمرکی که در قسمت اخیر آن، سوءنیت را به صراحت شرط تحقق این مصداق از مصادیق قاچاق دانسته است. (گلی، تخلفات گمرکی و قاچاق کالا، ص ۸۱)

۱-۱- عوامل مؤثر بر قاچاق کالا و پیامدهای آن

قاچاق کالا پدیده‌ای است که با توجه به شرایط خاص یک کشور با عوامل متعددی ارتباط دارد که این عوامل به سه دسته کلی قابل تقسیم است:

الف. عوامل ساختاری مؤثر بر قاچاق کالا: این عوامل عبارتند از کلیه عوامل غیرانسانی مانند قوانین و مقررات سیستم‌ها و روش‌های انجام امور، تکنولوژی، سیاست‌ها و استراتژی‌ها و نظایر آن‌ها که نامناسب بودن این عوامل به امر قاچاق منجر می‌شود.

ب. عوامل رفتاری مؤثر بر قاچاق کالا: این عوامل مربوط است به نیروی انسانی که مبادرت به قاچاق کالا می‌کنند و یا کسانی که با این امر درگیر هستند. بنابراین این عوامل خود به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول؛ قاچاقچیان دارای روحیه قانون‌شکنی و قانون‌گریزی، تمایل به کسب درآمد در زمان کم‌تر، رشد اجتماعی پایین، روحیه خطرپذیری بالا و تحصیلات پایین و عدم آگاهی از اثرهای قاچاق در اقتصاد کشور را شامل می‌شود. گروه دوم؛ خصوصیات و عوامل رفتاری مربوط به کارکنان سازمان‌های متولی و ذی‌ربط است که مواردی مانند نبود انگیزه کاری و احساس مسئولیت کارکنان، شایستگی نداشتن بعضی از سرپرستان و مدیران، نبود ارتقای شغلی بر اساس نظام شایسته‌سالاری و توانمندی کارمندان و نظایر آن‌ها را شامل می‌شود.

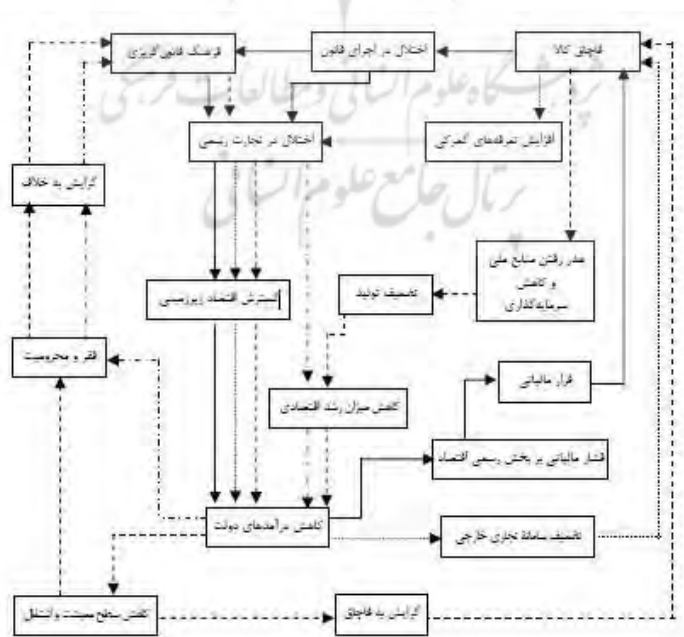
ج. عوامل زمینه‌ای مؤثر بر قاچاق کالا: کلیه عواملی که خارج از حیطه اختیارات هریک از سازمان‌های ذیربط بوده و زمینه‌ساز بروز عوامل ساختاری و رفتاری هستند. از جمله نرخ بالای بیکاری و کمبود امکانات و زیرساخت‌های اساسی جهت تولید و افزایش اشتغال و نبود امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری در استان‌های مرزی، درآمد پایین مردم و نابرابری اجتماعی و فقر عمومی در مناطق مرزی و ... (آقازاده، قاچاق کالا، صص ۲۶-۲۷)

قاچاق کالا پدیده‌ای چند بعدی است که پیامدها و آثار منفی آن در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی مشهود است:

الف. آثار اقتصادی قاچاق کالا: قاچاق کالا یا تجارت زیرزمینی (نقل و انتقال کالا بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی) مذموم شمرده می‌شود. چرا که سیاست‌های اقتصادی و بازرگانی را که دولت‌ها برای احیای موقعیت اقتصادی کشورشان اعمال می‌نمایند، بی‌اثر یا کم‌اثر می‌کند. فلذا قاچاق کالا امکان دارد تاثیر مخربی بر جریان اقتصاد ملی برجا گذاشته و مسیر اصلاحی آن را منحرف سازد که می‌توان موارد زیر را از تبعات منفی اقتصادی قاچاق به شمار آورد:

۱. روی نیاوردن به تجارت قانون مند
۲. کاهش میزان اشتغال و به تبع آن کاهش تولید داخلی
۳. کاهش درآمدهای دولت و نبود برقراری عدالت مالیاتی
۴. افزایش هزینه دولت و خنثی شدن حمایت از تولید داخلی
۵. گسترش پول شویی و نابرابری. (سیف، پیشین، صص ۹۷ - ۸۴)

آثار و نتایج اقتصادی قاچاق کالا در نمودار زیر نمایان است: (مؤذن جامی، بررسی معضل قاچاق کالا و راهبردهای مبارزه با آن، ص ۲۴)



نمودار آثار و نتایج اقتصادی قاچاق کالا

ب. آثار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قاچاق کالا: رواج قاچاق و شبه‌قاچاق موجب کاهش اقتدار دولت می‌شود و سیاست‌های حمایتی و سرمایه‌گذاری دولت را با مشکل مواجه می‌کند. ادامه این وضعیت موجب گسترش فساد اداری، آسیب‌پذیری امنیتی مرزها، آسیب‌پذیری مردم از ورود کالاهای غیراستاندارد و غیربهداشتی، کاهش اعتماد عمومی و افزایش نارضایتی مردم، تجار و تولیدکنندگان از دولت می‌شود. گسترش قاچاق هم‌چنین از طریق همراه شدن با فعالیت‌های پول‌شویی، اعتبار بین‌المللی کشور را کاهش می‌دهد. پیامدهای امنیتی قاچاق و رفت‌وآمد قاچاقچیان در مرزهای دریایی از طریق تخلیه اطلاعاتی آنها توسط دشمنان در مواقع وقوع بحران برای امنیت ملی کشور تهدیدزا است. (سیف، پیشین، ص ۱۱۵)

۱-۲- تقسیم‌بندی قاچاق

قاچاق را در سه دسته می‌توان تقسیم‌بندی نمود.

نخست: قاچاق محض؛ بدین معنی که قانونگذار فعل مجرمانه‌ای را صریحاً قاچاق دانسته و برای آن مجازات تعیین کرده است، مانند اسلحه و مهمات. **دوم:** اعمال در حکم قاچاق؛ که غیرمستقیم قاچاق تلقی شده‌اند، مانند وارد کردن لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاعام خلاف شرع است.

سوم: قاچاق ناشی از تخلفات گمرکی؛ به مفهوم تخطی از ضوابط گمرک نظیر اظهار خلاف واقع درباره مشخصات کالای وارداتی از سوی صاحب کالا. (ولیدی، نگاهی به موقعیت کیفری اقتصادی در ایران، صص ۱۷-۱۵)

قاچاق یا بی‌قانونی اقتصادی به نحوی است که اجمالاً می‌توان گفت که علیه اهداف اجتماع و حکومت ظهور می‌کند. حسب این که قلمرو و نفوذ تحقق یا کمال آن داخل کشور باشد یا در سطح بین‌المللی، تقسیمات مختلفی تحت عناوین «قاچاق داخلی» (ارتکاب در یک قلمرو گمرکی)، یا «قاچاق خارجی یا بین‌المللی» (ارتکاب در دو قلمرو سیاسی یا گمرکی) دارد.

۱-۳-۱- قاچاق بین‌المللی

هرگاه یک نقطه جرم قاچاق خارج از کشور و نقطه دیگر آن داخل کشور باشد یا بالعکس و به عبارتی هنگامی که حوزه تحقق جرم قاچاق واقع در دو قلمرو سیاسی باشد،

آن را قاچاق بین‌المللی می‌نامند. مانند قاچاق موضوع بند ۱ ماده ۲۹ قانون امور گمرکی ایران. (احمدی، پیشین، ص ۱۰۳)

در قاعده تعارض قوانین برای مرجع صالح قضایی، ماده ۴ قانون مجازات اسلامی چنین حکم می‌کند: «هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود در حکم جرم واقع شده در ایران است». یعنی دادرسی ایرانی در خصوص رسیدگی به جرم قاچاق خارجی، صالح به رسیدگی بوده و به اجرای قانون دولت متبوع خود دعوت شده است که از مشکل حل تعارض، رهایی حاصل نموده است. (الماسی، تعارض قوانین، صص ۸-۹)

قاچاق بین‌المللی برحسب موضوع آن، می‌تواند در یکی از سه محور ذیل ارتکاب یابد:

۱. قاچاق کالا
۲. قاچاق خدمات
۳. قاچاق اشخاص

الف. قاچاق کالا

گونه‌های مختلف قاچاق کالا بر حسب موضوع آن عبارتند از:

۱. **قاچاق کالا موضوع عایدات دولت:** مال موضوع عواید دولت، اموال یا کالاهایی هستند که مطابق قانون مقررات سالیانه صادرات و واردات آنها به داخل ممنوع نبوده و اساساً مشمول پرداخت حقوق گمرکی یا سود بازرگانی و یا هر دو هستند که میزان تخمینی دریافت سالیانه از این محل‌ها، در بودجه سالیانه کشور به عنوان درآمدهای عمومی منظور و توسط ادارات یا سازمان‌ها یا مؤسسات دولتی؛ مطابق با شرح وظایف قانونی مصوب سازمانی وصول و به خزانه‌داری کل متمرکز تا پرداخت‌ها نیز در حدود اعتبارات مصوب قانونی از این محل انجام گیرد.
۲. **قاچاق کالا غیرموضوع عایدات دولت:** کالای ممنوعه به کالایی اطلاق می‌شود که بنا به دستور شرع یا قانون به معنای اعم «قانون مصوب قوه مقننه» و تصویب

نامه هیات وزیران «ممنوعه دولتی - غیرمجاز» بنابر مصالح بشری «حکم شرعی» و یا اجتماعی یا اقتصادی و صنعتی، ورود یا صدور آن‌ها ممنوع اعلام شده است. این گروه از کالاها بنابر طبع و آثار سوء خود، موضوع واردات یا صادرات سالیانه و تبعاً عایدات دولت نخواهند بود، لذا آن‌ها را کالای ممنوع‌الورود یا ممنوع‌الصدور یا انحصاری می‌نامند. مهم‌ترین انواع این گروه، مواد مخدر هستند که تحت عنوان قاچاق سازمان‌یافته فراملی در حجم کلان در سطح جهان به وقوع می‌پیوندد. (احمدی، پیشین، صص ۱۱۰-۱۰۴)

۳. قاچاق جنگی: کالای ممنوعه در واردات یا صادرات، منشأ حکمی آن‌ها یا احکام داخلی است یا به وسیله قانون بین‌الملل. مطابق حقوق بین‌الملل، هنگامی که دو کشور در حال مخاصمه و جنگ باشند، چنان‌چه کشور ثالث بی‌طرفی مبادرت به حمل بعضی کالاهای خاص نظیر اسلحه، مهمات و تجهیزات جنگی و دفاعی یا آذوقه برای یکی از دول متخاصم نماید، کشور مقابل در حال جنگ به استناد حقوق بین‌الملل که چنین اقدامی را ممنوع کرده است، مجاز خواهد بود تحت عنوان قاچاق جنگی اقدام به توقیف و مصادره محموله جنگی نماید. (همان، صص ۱۳۰-۱۲۹) کشور بی‌طرف هرچند در اصل، حق تجارت آزاد با متخاصمان را حفظ می‌کند. اما ضرورت رعایت خودداری از مداخله در مخاصمه و نبود جانبداری از متخاصمان، محدودیت‌هایی جدی برای آن کشور ایجاد می‌نماید. مثلاً کشور بی‌طرف نباید به هیچ‌یک از متخاصمان کالاهایی را که جهت تدارک جنگ لازم است تحویل دهد یا آتش جنگ را شدت بخشد. از جمله کالاهایی که تجهیز و تدارک جنگی محسوب می‌شود می‌توان از اسلحه و مهمات و به طور کلی لوازم جنگی نام برد. در نتیجه هرگونه داد و ستد کالاهای مزبور میان کشور بی‌طرف با متخاصمان یا به طور کلی واگذاری و حمل چنین کالاهایی از کشور بی‌طرف به کشورهای متخاصم ممنوع و ناقض اصل بی‌طرفی است. در مقابل کشور بی‌طرف موظف به بازداشتن اتباع خود از دادوستد با کشورهای متخاصم نیست، حتی اگر شامل لوازم جنگی باشد. ماده ۱۸ عهدنامه پنجم لاهه تصریح دارد که چنین تدارکی به عنوان «اعمال ارتكابی به نفع یکی از متخاصمان» تلقی نمی‌شود. (ضیایی بیگدلی، حقوق جنگ، ص ۳۰۰)

۴. **قاچاق نفت:** از دیگر گونه‌های بین‌المللی قاچاق کالا می‌توان به قاچاق نفت اشاره نمود. در سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی حاکم بر میزان تولید سهمیه نفت توسط کشورهای تولیدکننده اعضای اوپک گاهی بر اساس تحریم سازمان ملل متحد برای بعضی از کشورهای عضو (مثل عراق). این کشورها تنها حق دارند در چارچوب برنامه تعیین شده و تحت نظارت این سازمان، اقدام به استخراج و صادرات نفت خود، به میزان سهمیه نمایند. لذا چنانچه کشور تحریم یا تحدید شده، خارج از میزان سهمیه تولیدی روزانه، به تولید یا افزایش آن اقدام نماید، اصطلاحاً این عمل را «قاچاق نفت» می‌نامند که هرچند با تعریف خاص قاچاق انطباق ندارد ولی نقض تعهد بین‌المللی در چارچوب مقررات ابلاغی توسط سازمان ملل متحد، در آن محرز است.

(ب) قاچاق خدمات

انواع قاچاق خدمات بر اساس قوانین مختلف عبارتند از:

۱. طبق قانون امور گمرکی: کالا ممکن است اوصاف مختلف مادی یا غیرمادی (خدمت) داشته باشد که منشأ ایجاد آن‌ها یا فکری است یا یدی یا حاصل سلسله جریانات طبیعی، لذا خدمت نیز مال تلقی می‌شود. بنابراین از کالاهایی که برای تعمیر یا تکمیل به طور موقت به خارج از کشور صادر شود در موقع برگشت به ایران فقط معادل ۱۵ درصد ارزش کارهای انجام شده به عنوان حقوق گمرکی دریافت می‌شود و چون ارزش کارهای انجام شده، ماخذ احتساب حقوق گمرکی قرار گرفته‌اند، لذا خدمت انجام یافته مال تلقی و هرگونه فعل و انفعال که موجب گمراهی ماموران وصول عایدات دولت و عدم وصول حقوق گمرکی شود، داخل در تعریف و مشمول مقررات قاچاق مال موضوع عایدات دولت خواهد شد. (احمدی، پیشین، صص ۱۳۱-۱۳۰)

۲. قاچاق مالکیت فکری: اصطلاح «Intellectual Property» که در زبان فارسی به «مالکیت معنوی» ترجمه شده، صحیح به نظر نمی‌رسد. زیرا در زبان فارسی واژه معنوی به معنای سیر در عالم عرفان و معنویات است و مفاهیم واقعی علائم و اختراعات یا کپی‌رایت در حقوق خارجی را برای فارسی‌زبان، مبهم و نارسا می‌سازد. اما اگر گفته شود مالکیت فکری؛ این مفهوم را در ذهن متبادر می‌سازد که شخص مالک دستاورد و ثمره فکر خود

است و حق بهره‌برداری از آن را نیز دارد و درحقیقت فکر خلاق انسان است که پس از خلق اثر مالک آن می‌شود. (عرفانی، حقوق تجارت بین‌الملل، ص ۲۵۴)

سرقت معنوی یا ادبی؛ یعنی نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر ولو به صورت ترجمه. با توجه به تعریف سرقت ادبی، هرگاه شخصی آثار ادبی مسروقه را قاچاق نماید (قاچاق بین‌المللی؛ خواه وارداتی باشد و خواه صادراتی) عمل واحد مرتکب، تعدد معنوی خواهد بود که از نظر قانون جزا دارای عناوین مجرمانه ذیل است: ۱- سرقت ادبی ۲- قاچاق.

ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، مؤلف و تولیدکننده آثار علمی، ادبی یا هنری را محق به بهره‌برداری از منافع مالی و معنوی آثار خود دانسته است که این مطلب موید مشابهت حقوقی مالکیت معنوی (فکری) با سایر حقوق مالکیت‌ها (مادی) است. لذا شاکی خصوصی در قاچاق مالکیت معنوی، صاحب اثر و گمرک، به دلیل حقوق مالی و معنوی متعلقه هستند. (احمدی، پیشین، صص ۱۳۶-۱۳۲)

ج) قاچاق اشخاص

امروزه قاچاق اشخاص به منظور بهره‌برداری در سطح بین‌المللی، عملی غیرقانونی و جنایی محسوب می‌شود. این‌گونه قاچاق از جمله جنایات مرتبط با برده‌داری تلقی می‌شود که مطابق عرف بین‌المللی، به عنوان یک جنایت بین‌المللی شناخته می‌شود. قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان که غالباً به منظور بهره‌برداری جنسی صورت می‌گیرد یکی از جنایات سازمان‌یافته فراملی با آثار سوءاخلاقی و اجتماعی قابل توجهی است که از رشد تکان دهنده‌ای برخوردار است، به نحوی که امروزه بعد از مواد مخدر و اسلحه سومین تجارت پرسود دنیا محسوب می‌شود.

پروتکل پیشگیری، منع و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان مکمل کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جنایات سازمان‌یافته فراملی ۲۰۰۰، سند بین‌المللی این جنایت سازمان‌یافته فراملی است. اهداف اساسی این پروتکل را با توجه به مقدمه و متن آن می‌توان در سه مورد خلاصه کرد:

اول - پیشگیری و مبارزه با قاچاق اشخاص یا بذل توجه ویژه به زنان و کودکان.

دوم- حمایت و کمک به بزهدیدگان این جنایت با توجه کامل به حقوق بشری آنها و رعایت آن. سوم

سوم- ارتقاء همکاری میان دولت‌ها به منظور نیل به این اهداف.

درواقع هدف سوم ضمن این که اهمیت اساسی در این پروتکل دارد، وسیله تأمین دو هدف پیش گفته است. (اسعدی، جرائم سازمان یافته فراملی، صص ۲۴۶-۲۴۱)

قاچاق اشخاص مطابق تعریف سازمان ملل متحد؛ شامل اجیر نمودن، انتقال، جادادن یا پذیرایی از اشخاص با استفاده از تهدید یا استفاده از زور به منظور استثمار است. قاچاق انسان از منظر حقوق بین‌الملل و مطالعه تطبیقی در سایر نظام‌های مختلف ملی یک جنایت محسوب می‌شود و به حقوق اساسی و بنیادین قاچاق شده آسیب شدیدی وارد می‌نماید و قربانیان این جنایت معمولاً از طریق فریب به دام می‌افتند ولی به دلیل ترس از مقابله به مثل به ندرت اعلام شکایت می‌نمایند. (برای مطالعه بیش‌تر ر. ک بیگی، سیاست جنایی سازمان ملل متحد و ایران در قبال قاچاق اشخاص)

قاچاق انسان می‌تواند ناقض قوانین مهاجرت و حقوق کار باشد که معمولاً به چهار دلیل صورت می‌گیرد:

۱. قاچاق زنان به منظور استثمار جنسی
۲. قاچاق به منظور کار اجباری
۳. استثمار جنسی کودکان با اهداف تجاری در گردشگری
۴. قاچاق اعضای بدن (تقی‌زاده انصاری، سازمان جهانی پلیس جنایی اینترپل، صص ۱۰۷-۱۰۵)

۱-۳-۲- قاچاق داخلی

چنانچه حمل و نقل کالا در دو نقطه داخل کشور باشد، آنرا «قاچاق داخلی» می‌نامند و دادگاه صالح برای رسیدگی، محاکم ایران هستند که ماده ۳ قانون مجازات اسلامی اظهار می‌دارد: «قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌گردد مگر آن که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد». قاچاق داخلی می‌تواند شامل موارد ذیل

شود:

الف. قاچاق کالا؛ که خود به دو شکل ذیل قابل ارتکاب است:

۱. قاچاق کالا در اماکن گمرکی (قاچاق به طریق اظهار)

۲. قاچاق کالا خارج از اماکن گمرکی

ب. قاچاق غیر کالا؛ که این نوع قاچاق نیز در سه مورد قابل تصور است:

۱. قاچاق اشخاص

۲. تأسیس غیرمجاز بعضی مؤسسات دولتی

۳. قاچاق اشیاء به داخل زندان (احمدی، پیشین، صص ۱۸۰-۱۴۰)

۲- جنایت سازمان یافته

جنایت سازمان یافته از جمله عناوین جدیدی است که در سال های اخیر وارد مباحث حقوق کیفری شده است. از آن جایی که قاچاق بین المللی عمدتاً توسط گروه های مجرمانه سازمان یافته ارتکاب می یابد، در ادبیات جرم شناسی به عنوان یکی از مهم ترین جنایات سازمان یافته فراملی یاد می شود. لذا به جهت تعامل قاچاق کالا با جنایت سازمان یافته، پس از تعریف این جنایت و ذکر مهم ترین مصادیق آن، به اهداف و پیامدهای این جنایت اشاره نموده و وجوه تمایز جلوه فراملی این جنایت از جنبه ملی آن را بررسی خواهیم نمود.

۲-۱- تعریف و مصادیق جنایت سازمان یافته

این عنوان اجمالاً به اعمال مجرمانه خاصی اطلاق می شود که توسط گروه های مجرمانه سازمان دهی شده صورت می گیرد و هدف از ارتکاب آن معمولاً کسب منافع اقتصادی و قدرت است و در آثار جرم شناسان به عنوان یکی از تهدیدهای مهم قرن بیست و یکم معرفی شده است.

(173.Shell, The threat to world order, P)

جنایت سازمان یافته از حیث اصطلاحی عبارت است از «جرمی که به طور ناگهانی و خودجوش صورت گرفته و در ارتکاب آن بیش از چند نفر دخالت دارند».

Bassiouni, Effective national and international action organized crime)
(18.and terrorist criminal activities, P

به عبارت دیگر، جرم سازمان یافته نوعی جرم مهندسی شده یا ساختارمند است که از سوی سندیکای مجرمان اداره می شود و به طور مشخص تر منظور از آن، فعالیت های غیرقانونی و هماهنگ گروهی منسجم از اشخاص است که با تبانی با یکدیگر و برای تحصیل منافع مادی یا قدرت به ارتکاب مستمر اعمال بسیار مجرمانه می پردازند و برای رسیدن به هدف خود از هر نوع ابزار مجرمانه استفاده می کنند. در تعریف اینترپل هم جرم سازمان یافته مربوط به گروهی است که دارای ساختار یکپارچه و متحدند و هدف اساسی آن ها به دست آوردن پول از طریق فعالیت غیرقانونی است و اغلب با ایجاد ترس و فساد به حیات خود ادامه می دهد. این گونه جنایات معمولاً در قالب شبکه یا سازمان انجام می شوند. این سازمان های مجرمانه ساختاری بسیار کارآمد و موثر دارند و از انعطاف فوق العاده ای برخوردارند.

مهم ترین انواع جنایات سازمان یافته عبارتند از:

۱. قاچاق به معنای حمل و نقل کالا از نقطه ای به نقطه دیگر برخلاف مقررات مربوط به حمل و نقل
۲. فساد سازمانی (اداری و مالی) و سیاسی مانند ارتشاء، اختلاس، پورسانت، انواع جعل، دخالت در معاملات دولتی و تقلب در انتخابات.
۳. پول شویی به معنای تطهیر درآمدهای ناشی از جرم در جریان یک سلسله عملیات (اقتصادی و مالی). (حاجیانی، تحلیل شبکه ای جرائم سازمان یافته، صص ۳-۵)

۲-۲- اهداف و پیامدهای جنایت سازمان یافته

کسب سودهای کلان و نفوذ و کسب قدرت اقتصادی و سیاسی از اهداف جنایت سازمان یافته است. (Maltz, Crime and delinquency on defining organized crime)
(76., P

در جایی که هدف از ارتکاب جرم کسب قدرت است، سازمان مجرمانه علاوه بر هدف تحصیل مال، برای مصون نگه داشتن خود و اعضای سازمان از تعقیب و مجازات، به ارباب و تطمیع و فساد در دستگاه‌های اجرایی و قضایی اقدام می‌کند و در اثر نفوذی که به سبب قدرت اقتصادی خود در جامعه کسب کرده، می‌تواند در انتخابات دخالت نامحسوسی کند و آرای مردم را به انتخاب افراد مورد نظر خویش سوق دهد و در مواردی آن چنان در امور سیاسی پیشرفت کند که قدرت سیاسی قابل توجهی به دست آورد و به طور نامرئی در عزل و نصب مدیران اجرایی کشور سهیم شود. (Sutherland, Criminology, pp. 240-241)

این جنایات آثار زیان‌بار فراوانی را بر جامعه خواهند داشت به نحوی که این آثار نه تنها اقتصاد جامعه را مورد حمله قرار می‌دهد، بلکه ساختار جامعه و امنیت اجتماعی و سیاسی را هم به طور جدی در معرض تهدید قرار می‌دهد. جنایاتی که توسط سازمان‌های مجرمانه ارتکاب می‌یابند از قبیل قاچاق مواد هسته‌ای که هستی بشریت را در معرض نگرانی و تهدید قرار می‌دهد، قاچاق موادمخدر که با سلامت افراد جامعه بازی می‌کند، جرائم اقتصادی از جمله فرار از مالیات، تطهیر پول، وارد کردن پول نامشروع به جامعه، جعل اسکناس رایج و امثال آن که ثبات اقتصادی را با خطر جدی مواجه می‌کنند، جنایاتی از قبیل جعل گذرنامه، قاچاق مهاجران، عملیات تروریستی، خرابکاری در صنایع مهم و اساسی و هواپیمارمایی که امنیت جامعه را تهدید می‌کند، جنایات اخلاقی مانند قاچاق زنان و کودکان و سوءاستفاده از آنان از طریق ایجاد و توسعه صنعت هرزه‌نگاری و ایجاد اماکن فساد و فحشاء که اخلاق اجتماعی و بهداشت جسم و روان را دچار اختلال می‌کند دارای آثار مخرب شدید بر فرهنگ، اخلاق، اقتصاد و امنیت یک جامعه هستند. در کنار موارد مذکور، سازمان‌های مجرمانه از طریق دادن رشوه و تطمیع کارمندان و مدیران ادارات و ایجاد رابطه با مدیران عالی‌رتبه حکومتی و سوق دادن آنان به سوی ارتکاب جرائم یقه‌سفیدان، در دستگاه‌های اجرایی و قضایی نفوذ می‌کنند و موجب فساد شدید اداری می‌شوند.

۲-۳- وجوه تمایز بین جنایت سازمان یافته ملی و جنایت سازمان یافته فراملی

آن چه جنایت سازمان یافته عادی را از جنایت سازمان یافته فراملی متمایز می کند این است که در نوع اخیر مرزهای ملی پشت سر گذارده شده و در ورای آن اقداماتی به اجرا درمی آید. به عبارت دیگر، جنایت سازمان یافته فراملی با داشتن تمامی ویژگی های جنایت سازمان یافته داخلی، این ویژگی را دارد که در خارج از مرزهای یک کشور حادث شود و حسب آن، اطلاعات، پول، کالا، خدمات، انسان ها و دیگر اموال عینی و دینی به خارج از مرزها منتقل می شود یا به نوعی در خارج کشور تأثیر می گذارد. (نجفی ابرنآبادی و...، جرم سازمان یافته در جرم شناسی، ص ۹-۱۰)

جنایات سازمان یافته فراملی توسعه اقتصادی دولت ها و حاکمیت آن ها را تهدید و نظم بین المللی را نیز به مخاطره افکنده است؛ در حدی که می توان گفت جامعه بین المللی در این زمینه تعلل نموده و خیلی دیرهنگام به این امر پرداخته است. (اسعدی، پیشین، ص ۵۱)

در کنوانسیون ۲۰۰۰ پالمو اوصاف ذیل برای جنایت سازمان یافته فراملی ذکر شده است:

۱. ارتکاب جنایت توسط گروهی که متشکل از سه نفر یا بیشتر باشد
۲. جنایات ارتكابی ماهیت فراملی داشته باشد
۳. فعالیت گروه برای مدتی استمرار داشته باشد
۴. انگیزه و هدف نهایی تحصیل منافع مالی و مادی باشد (همان، صص ۷۸-۸۰)

۳- تروریسم

تروریسم بین المللی با هدف ایجاد رعب بین مردم یا تهدید به آسیب رساندن یا به خطر انداختن جان، حیثیت، آزادی ها، امنیت یا حقوق آنان، یا به خطر انداختن محیط زیست یا هرگونه تاسیسات یا اموال عمومی یا خصوصی یا اشغال یا تصرف آن ها یا به خطر انداختن منابع ملی یا تاسیسات بین المللی یا تهدید کردن ثبات، تمامیت ارضی، وحدت سیاسی یا حاکمیت کشورهای مستقل انجام می گیرد. تعامل قچاق کالا، به ویژه

در سطح بین‌المللی آن به عنوان یک جنایت بین‌المللی، از این جا ناشی می‌شود که قاچاق کالا در برخی مواقع به منظور تأمین مالی اهداف تروریستی انجام می‌پذیرد. از این رو بر آن شدیم تا با ارائه تعریفی از تروریسم و تقسیم‌بندی آن، ضرورت جرم‌انگاری آن را تبیین نموده و نبود پشتیبانی و مقابله با تأمین مالی تروریسم را مطرح نماییم.

۳-۱- تعریف تروریسم و تقسیم‌بندی آن

تروریسم اگرچه پدیده چندان جدیدی نیست ولی بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در برج‌های دو قلوی آمریکا به عنوان یکی از موضوع‌های جدی که می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را به شدت به خطر اندازد مطرح شده است و خطرناک بودن آن بیش‌تر ناشی از آن است که امروزه تروریست‌ها برای دستیابی به اهداف خود از علوم و تکنولوژی روز استفاده می‌نمایند و در نتیجه به موازات پیشرفت علم و تکنولوژی، شیوه‌های عملیات تروریستی نیز پیچیده‌تر می‌شود که این خود مقابله با آن را دشوارتر می‌نماید. مثلاً در حوادث ۱۱ سپتامبر تروریست‌ها با استفاده از هواپیما به مرکز تجارت جهانی حمله نمودند و قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل تمهیداتی را برای مقابله با تروریسم وضع نمود و برای دولت‌ها تعهداتی به وجود آورده و برای نظارت بر اجرای آن کمیته‌ای به نام کمیته ضد تروریسم نیز ایجاد شده است. (تقی‌زاده انصاری، پیشین، ص ۱۲۳) فرهنگ انگلیسی آکسفورد در مورد تاریخچه واژه تروریسم بیان می‌کند که این واژه برای اولین بار در سال ۱۷۹۵ میلادی برای توصیف حکومت ترس و وحشت که در فرانسه در فاصله انقلاب سال‌های ۱۷۹۴-۱۷۸۹ حاکم بود به کار رفت. (میرمحمد صادقی، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، ص ۱۳۱)

الف. مشکل ارائه تعریفی از تروریسم: این مشکل برای تروریسم همیشه وجود داشته و ناشی از آن بوده است که آن کس که از نظر یک شخص تروریست محسوب می‌شود، از نظر دیگری یک مبارز راه آزادی است. پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۵۴ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در ماده ۲۵ پیش‌نویس قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشری، « تشویق یا حمایت یک کشور از اعمال تروریستی در کشور دیگر یا عدم مقابله یک کشور با اقدامات سازمان‌یافته برای انجام اعمال تروریستی در کشور دیگر» را جرمی علیه صلح و امنیت بشری و یک جرم بین‌المللی دانست. در پاییز ۱۹۸۵ اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد به اتفاق آراء اعمال تروریستی را توسط هر کس و در هر

کجا اتفاق بیفتد محکوم کردند. قطعنامه مجمع عمومی اعلام می‌دارد که تروریسم شامل اعمال مذکور در پنج معاهده بین‌المللی، یعنی سه کنوانسیون راجع به هواپیماربایی، معاهده راجع به حمایت از دیپلمات‌ها و معاهده راجع به گروگان‌گیری می‌شود ولی محدود به این‌ها نیست. این معاهده‌ها و کنوانسیون‌ها هیچ یک تروریسم را معنی نکرده‌اند ولی بیش از نیمی از اعمال تروریستی بین‌المللی را در بر می‌گیرند. (همان، صص ۱۴۰-۱۳۸) قطعنامه‌ای که مجمع عمومی سازمان بین‌المللی پلیس جنایی (اینترپل) در سال ۱۹۸۴ تصویب نمود، تروریسم را چنین تعریف نموده است: «فعالیت‌های مجرمانه خشونت‌آمیزی که گروه‌های سازمان‌یافته برای ایجاد رعب و وحشت انجام می‌دهند تا به این ترتیب نیل به اهداف به اصطلاح سیاسی را میسر سازند. (بوسار، بزهکاری بین‌المللی، ص ۲۰)

دانشنامه بریتانیکا تروریسم را چنین تعریف می‌کند: «تروریسم عبارت است از کاربرد سیستماتیک ارعاب یا خشونت پیش‌بینی‌ناپذیر بر ضد حکومت‌ها، مردمان یا افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی است». (فیرحی و ...، تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم، ص ۴)

ب. تقسیم‌بندی تروریسم: تروریسم گاهی سیاسی است که با اهداف سیاسی ارتکاب می‌یابد و گاهی غیرسیاسی که برای اهدافی مثل اخاذی صورت می‌گیرد. همین‌طور تروریسم گاهی داخلی و گاهی بین‌المللی یا خارجی است. کشورهایی مثل ایران بیش‌تر از تروریسم داخلی در رنج بوده‌اند، بر عکس دولت آمریکا، تا قبل از سال‌های اخیر، بیش‌تر گرفتار تروریسم خارجی که علیه منافع و اتباع این کشور در خارج از مرزهای آن رخ می‌داده بوده است. (میرمحمد صادقی، پیشین، ص ۱۳۱)

می‌توان تروریسم را به ترتیب فرآیند تاریخی به پنج نوع ذیل تقسیم کرد:

۱. تروریسم پیش‌مدرن (سنتی)
۲. تروریسم مدرن
۳. تروریسم پس‌مدرن
۴. تروریسم در عصر اتم
۵. تروریسم مجازی (فیرحی و ...، پیشین، صص ۱۱-۶)

۲-۳- ضرورت جرم‌انگاری تروریسم

با توجه به این که تعریف مشخصی از تروریسم وجود ندارد، سوالی که در این جا می‌تواند مطرح شود این است که آیا می‌توان اقدامات تروریستی را به عنوان اقداماتی مجرمانه تلقی کرد؟ بی‌تردید پاسخ به این سؤال مثبت خواهد بود. ایده جرم‌انگاری تروریسم بیش از دهه ۷۰ و هنگام تشکیل جامعه ملل آغاز شد. در کنفرانس سوم به منظور یکسان‌سازی حقوق جزا (بروکسل-۱۹۳۰) تروریسم به عنوان یک جرم بین‌المللی مستقل ذکر شد. پیش از آن زمان تروریسم به عنوان یکی از جنایات جنگی در کنفرانس صلح ۱۹۱۹ معرفی شده بود. بدون شک امروزه دیگر اقداماتی چون به مخاطره انداختن امنیت هوایی و هوانوردی، تضعیف امنیت دریایی و دریانوردی، بمب‌گذاری، گروگان‌گیری، آدم‌کشی‌های سیاسی و تأمین مالی تروریسم از جمله اعمالی محسوب می‌شوند که اسناد بین‌المللی و به خصوص کنوانسیون‌های ضدتروریسم از دولت‌ها می‌خواهد این اعمال را در حقوق داخلی خود به عنوان مصادیق تروریسم جرم‌انگاری نمایند که در نهایت چنین تکلیفی در قالب قطعنامه ۱۳۷۳ به همه کشورهای جهان تحمیل شده است.

قاضی گیوم معتقد است: اعمال تروریستی در همه کشورها باید جرم شناخته شود. در این راستا باید آیین‌های دادرسی کیفری را بازبینی و اصلاح کرد. باید صلاحیت سرزمینی دادگاه‌ها حتی زمانی که اعمال تروریستی به دست غیراتباع و خارج از موطن آن‌ها انجام شده با سهولت بیشتری به رسمیت شناخته شود. در نهایت باید تروریست‌ها بازداشت، محاکمه و مجازات و در غیر این صورت مسترد گردند. (زرنشان، شورای امنیت و تعهدات دولت‌ها برای مقابله با تروریسم، ص ۱۶-۱۵)

۳-۳- مقابله با تأمین مالی تروریسم و پشتیبانی نکردن دولت‌ها از آن

به طور کلی به منظور مقابله با تأمین مالی تروریسم که یکی از اساسی‌ترین حوزه‌های مبارزه با تروریسم به شمار می‌رود، مکانیسم‌ها و قواعد بین‌المللی مشخص و متفاوتی در برابر دولت‌ها قرار دارد. از کنوانسیون‌های بین‌المللی گرفته تا قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت و توصیه‌های متنوع مؤسسات بین‌المللی مالی و تصمیمات نهادهای منطقه‌ای. تأمین‌کنندگان مالی سازمان‌های تروریستی و تروریست‌ها، هم می‌تواند عوامل دولتی باشند که این‌گونه کمک‌ها را در زمره بودجه کشور قرار می‌دهند و هم عوامل

غیردولتی یا خصوصی که درآمد خود را از دو طریق به دست می آورند:

۱. وجوه و درآمدهای قانونی و مشروع
۲. وجوه و درآمدهای غیرقانونی و نامشروع وجوه مشروع معمولاً از طریق هبه، امورخیریه و عواید دیگر به دست می آیند و وجوه نامشروع نیز از طریق برخی اقداماتی که در سطح داخلی و سطح بین‌المللی غیرقانونی و مجرمانه تلقی می‌شوند، مانند قاچاق مواد مخدر، تجارت غیرقانونی سلاح، خرید و فروش کالاهای قاچاق و.... بنابراین ایجاد راه‌کارهایی برای مبارزه با پول‌شویی در رابطه با عواید حاصل از قاچاق مواد مخدر و دیگر اقدامات مجرمانه و نیز انجام هرگونه اقدامی به منظور خشکاندن منابع مالی تروریسم ضروری است.

کما این که بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل، دولت‌ها متعهدند از اقدامات تروریستی حمایت و پشتیبانی نکنند. این تعهد از هنگام تشکیل سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود داشته است. اقداماتی چون قتل، ایجاد رعب و وحشت برای غیرنظامیان و یا سازماندهی و تشویق اقدامات فوق‌همواره به عنوان نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه محکوم بوده و کلیه اسناد بین‌المللی دست‌کم بر این مساله اجماع داشته‌اند که دولت‌ها باید از سازماندهی، تحریک یا مشارکت در اقدامات تروریستی امتناع نمایند. کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد مواد ۸ و ۱۱ پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها را به این امر اختصاص داده است. کمیسیون در ماده ۸ آورده است: «رفتار (ممنوعه) شخص یا گروهی از اشخاص به موجب حقوق بین‌الملل به دولت منتسب می‌شود، اگر آن شخص یا گروهی از اشخاص در حقیقت به دستور مستقیم و یا تحت کنترل دولت به آن رفتار اقدام کنند». ماده ۱۱ طرح نیز اعلام نموده «اگر دولت‌ها با آگاهی از ارتکاب اعمال ممنوعه از سوی شخص یا گروهی از اشخاص از آن چشم‌پوشی و اغماض نمایند، برای انتساب مسئولیت آن رفتار به دولت کافی است». (همان، صص ۲۷-۱۷)

بی‌شک تروریسم باعث نقض حقوق بشر برای «حیات، آزادی و امنیت شخصی» است که ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر بدان توجه داشته است. مقدمه اعلامیه، بی‌توجهی و توهین به حقوق بشر را که منجر به ارتکاب اعمال وحشیانه و جریحه‌دار کردن وجدان

بشریت شده است، محکوم می‌کند. حق آزاد بودن از ترس و واهمه در مقدمه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مورد تاکید قرار گرفته است. با توجه به این که مبنای تروریسم ایجاد ترس است، این عمل با نقض میثاق‌های مذکور ارتکاب می‌یابد.

همین ترس و وحشت باعث می‌شود که در نظام‌های حکومتی قربانی تروریسم موازنه قوا به نفع نیروهای سرکوب‌گر و علیه نیروهای دموکرات برهم بخورد. آنچه ترس و وحشت موجود در تروریسم را از وحشت و ترسی که در سایر جرائم برای قربانی به وجود می‌آید تفکیک می‌کند، آن است که در جرائم دیگر ایجاد ترس و وحشت هدف اصلی مجرم نیست، بلکه به طور فرعی و ثانوی از اعمال او ناشی می‌شود. لیکن برای تروریست، مخصوصاً تروریست سیاسی، ایجاد ترس و وحشت در قربانیان مستقیم این جرم، یا به طور غیرمستقیم در افراد دیگر، هدف اصلی است. تفاوت دیگری که بین تروریسم و جرائم عادی وجود دارد، این است که اولی همواره به شکل یک جرم سازمان‌یافته و گروهی ارتکاب می‌یابد. (میرمحمد صادقی، پیشین، صص ۱۳۱-۱۲۹)

نتیجه‌گیری

قاچاق در مقیاس وسیع می‌تواند بهینه‌سازی نظام تولید، توزیع و مصرف را به شکست بکشاند و سازوکارهای مالی و پولی نظام اقتصادی را ناکارآمد و دامنه آن را به سیاست‌های بازرگانی و موازنه تجاری توسعه دهد. (برای مطالعه بیشتر ر.ک: وطن‌پور، قاچاق کالا و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی کشور، ص ۶) از دیدگاه حقوق کیفری، قاچاق یک پدیده غیرمجاز اقتصادی و مخالف نظم اجتماعی است و با توجه به قوانین مرتبط قابل تعقیب و مجازات است. (ابراهیم‌زاده آسمین و ...، بررسی عوامل و دلایل قاچاق در استان سیستان و بلوچستان و راه‌کارهای رفع آن، ص ۲)

از مجموع قوانین مربوط به تعاریف موردی قاچاق در موضوع‌های مختلف و اتصال سیاق و مفاد و منطوق و تقدیر متفاوت آن‌ها به هم‌دیگر و مطالعه تطبیقی، چنین استنباط و نتیجه‌گیری می‌شود: وارد کردن یا خارج کردن متقلبانه کالای موضوع حق یا حقوق دولت یا کالای ممنوعه یا انحصاری یا اظهار، واگذاری، حمل و نقل، نگهداری، عرضه و

فروش، ساخت، تولید، تغییر مورد مصرف، دخل و تصرف، اقدام، صید، مخفی کردن، واسطه‌گی، تردد، تأسیس، استرداد یا هرگونه تقلب گمرکی ناقض قانون خاص محدود کننده آن قاچاق یا در حکم آن محسوب می‌شود.

مهم‌ترین نگرانی و دغدغه عوامل مبارزه با قاچاق، پس از انجام شدن معاملات کلان غیر قانونی، مساله پول شویی است. زیرا اگر بتوان در مهار و بی‌اثر کردن پدیده پول شویی موفقیتی به دست آورد، در تحدید و کنترل قاچاق توفیق‌های بزرگ‌تری حاصل خواهد شد.

پول شویی به مفهوم جریان تطهیر پول‌های کثیف ناشی از فعالیت‌های غیرقانونی با قاچاق ارتباط مستقیم دارد. اگر قاچاق مواد مخدر و کالا ریشه‌کن شود موارد پول شویی بسیار کم خواهد شد، هرچند که از بین نمی‌رود. زیرا جنایات سازمان یافته دیگری هستند که درآمد آن‌ها پول شویی می‌شود. هم اکنون ایران، به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و وضعیت نامناسب اقتصاد داخلی، به مکانی مناسب برای تهاجم باندهای مافیایی جهت تطهیر پول‌های کثیف و هم چنین ترانزیت مواد مخدر تبدیل شده است. بخش مهمی از اقتصاد ایران را بخش غیررسمی تشکیل می‌دهد. سازوکاری که در کشور ما انجام می‌گیرد به این صورت است که باندهای مافیایی پول حاصل از مواد مخدر را در خارج از کشور به کالا تبدیل می‌کنند و این کالاها را به صورت امانی از طریق دبی در اختیار قاچاقچیان ایران می‌گذارند، آن‌گاه پول حاصل از فروش کالاهای قاچاق از طریق صندوق‌ها و مؤسسات اعتباری خارج از نظارت بانک مرکزی وارد نظام بانکی کشور می‌شود. بدین ترتیب باید به وجود رابطه میان قاچاق کالا، جنایات سازمان یافته دیگر (نظیر پول شویی و مواد مخدر) و تروریسم در ایران توجه خاصی شود. به عبارت دیگر، قاچاق کالا، مواد مخدر و پول شویی هر سه جنایت سازمان یافته فراملی هستند و به نفع یکدیگر در ایران به هم گره خورده‌اند که حتی در برخی مواقع، منافع حاصله از این جنایات سازمان یافته، منابع مالی تروریست‌ها را هم تأمین می‌نمایند.

راه‌کارها و پیشنهادها

یکی از گام‌های مهم در زمینه ریشه‌کن کردن قاچاق، تدوین قانون جامع مبارزه با

قاچاق کالا و ارز در کشورمان است. زیرا قانون مهم‌ترین ابزار مقابله و پیشگیری از جرم است. از دیگر اقدامات انجام شده در مقابله با قاچاق کالا می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. طرح نظارت بر ترانزیت
 ۲. توجه به وضعیت معیشتی مرزبانان
 ۳. رفع برخی ابهامات قانونی فعلی در مقابله با قاچاق
 ۴. تشکیل شعبه ویژه قضایی
 ۵. تسهیل واردات از مجاری رسمی
 ۶. تجمیع عوارض
 ۷. ممنوعیت خرید دولتی تولیدات خارجی
 ۸. تسهیل واردات
 ۹. فعال شدن ستاد اقتصادی دولت
- در مطالعه تفصیلی هم که بر اساس الگوی معروف SWOT در خصوص قاچاق کالا در ایران انجام شده، ابتدا نقاط قوت (S)، نقاط ضعف (W) و فرصت‌ها (O) و تهدیدها (T) شناسایی شده، سپس مبتنی بر همین الگو راهبردهای مقابله با قاچاق کالا طراحی و راهبرد برتر انتخاب شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:
۱. روان‌سازی تجارت و جلوگیری از واردات امانی کالا به منظور تسهیل در تجارت خارجی و کاهش گرایش به قاچاق.
 ۲. آزادسازی اقتصاد بر پایه سند چشم‌انداز ۲۰ ساله به منظور کوچک‌سازی و ساده‌سازی و افزایش نقش بخش خصوصی و رقابتی کردن اقتصاد در جهت افزایش کیفیت کالا و کاهش هزینه تولید و کاهش سود گرایش به قاچاق.
 ۳. عقد قراردادهای دو یا سه جانبه با کشورهای همسایه به منظور تأمین انضباط و امنیت اقتصادی و جلوگیری از بی‌نظمی و بی‌ثباتی آن.
 ۴. اتخاذ سیاست توسعه منطقی و معقول به منظور افزایش تولید و اشتغال مناسب

- در کشور برای افزایش تولید و کاهش گرایش به قاچاق.
۵. فرهنگ‌سازی برای کاهش تقاضا و ترجیح مصرف کالای داخلی به منظور حمایت از تولید کالای با کیفیت داخلی و تأمین امنیت اقتصادی.
۶. افزایش خطرپذیری قاچاق از طریق مبارزه قاطع و پیگیر و فراگیر به منظور کاهش حاشیه سود قاچاق.
- در خاتمه برای رفع کاستی‌های کاربردی و خلأ قانونی موجود در خصوص قوانین و مقررات حاکم بر پدیده قاچاق کالا، بر اساس نتایج این تحقیق راه‌کارهای راهبردی زیر پیشنهاد می‌شود:
- الف. نظام عدالت کیفری، یافته‌های جرم‌شناسی کاربردی را به طور مستقیم پایه و اساس سیاست‌گذاری جنایی تقنینی در خصوص قاچاق کالا قرار دهد.
- ب. نظام عدالت کیفری با استفاده از دستاوردهای جدید علوم جنایی، برای جلب حمایت مردمی و ایجاد همکاری با دستگاه قضایی به صورت نهادهای میانجی‌گری و شوراهای محلی برای اعانت به امر دادرسی در خصوص قاچاق کالا مورد توجه قرار دهد. (برای مطالعه بیشتر تر.ک: ولیدی، حقوق کیفری اقتصادی، ص ۱۳۲)

منابع و مأخذ

- ۱- آقازاده، علیرضا: **قاچاق کالا**، چاپ سوم، تهران، انتشارات آریان، ۱۳۹۴.
- ۲- ابراهیم‌زاده آسمین، حسین و عباسیان، مجتبی: **بررسی عوامل و دلایل قاچاق در استان سیستان و بلوچستان و راه‌کارهای رفع آن**، مجله توسعه انسانی پلیس، س ۱۳۹۹.
- ۳- احمدی، عبدالله: **جرم قاچاق (آنومی اقتصادی)**، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.
- ۴- اسعدی، سیدحسن: **جرائم سازمان یافته فراملی**، چاپ ششم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۶.

- ۵- الماسی، نجادعلی: **تعارض قوانین**، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.
- ۶- بنائی، رضا: **آشنایی با مقررات گمرکی و ترخیص کالا**، چاپ چهارم، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۸.
- ۷- بوسار، آندره: **بزهکاری بین‌المللی**، ترجمه نگار رخشانی، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۵.
- ۸- بیگی، جمال: **سیاست جنایی سازمان ملل متحد و ایران در قبال قاچاق اشخاص**، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۹۰.
- ۹- تقی‌زاده انصاری، مصطفی: **سازمان جهانی پلیس جنایی اینترپل**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۸.
- ۱۰- حاجیانی، ابراهیم: **تحلیل شبکه‌ای جرائم سازمان‌یافته**، فصل‌نامه دانش انتظامی، سال یازدهم، ش ۳، س ۱۳۹۸.
- ۱۱- زر نشان، شهرام: **شورای امنیت و تعهدات دولت‌ها برای مقابله با تروریسم**، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ش ۳۶، س ۱۳۹۶.
- ۱۲- سیف، الله‌مراد: **قاچاق کالا در ایران**، چاپ اول، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۱۳- ضیایی بیگدلی، محمدرضا: **حقوق جنگ**، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۰.
- ۱۴- عرفانی، محمود: **حقوق تجارت بین‌الملل**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹.
- ۱۵- فیرحی، داود و ظهیر، صمد: **تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم**، فصل‌نامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، س ۱۳۸۷.
- ۱۶- کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی

مصوب ۱۳۷۸.

۱۷- گلی، رضا: **تخلفات گمرکی و قاچاق کالا**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده علوم اقتصادی، ۱۳۸۹.

۱۸- مؤذن جامی، محمدهادی: **بررسی معضل قاچاق کالا و راهبردهای مبارزه با آن**، موسسه عالی آموزش و پژوهش و برنامه ریزی، سلسله مباحث اقتصادی و مدیریتی، نشست نهم، ۹ تیر ۱۳۸۴.

۱۹- منصور، جهانگیر: **مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی**، ۱۳۸۰.

۲۰- میرمحمد صادقی، حسین: **جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی**، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.

۲۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حبیبزاده، محمدجعفر و شمس ناتری، محمدابراهیم: **جرم سازمان یافته در جرم شناسی**، نشریه مدرس، دوره ۴، ش ۴، س ۱۳۷۹.

۲۲- وزارت دادگستری و سازمان تعزیرات حکومتی: **مجموعه کامل قوانین و مقررات راجع به قاچاق کالا و ارز**.

۲۳- وطن پور، علیرضا: **قاچاق کالا و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی کشور**، نشریه کارآگاه، دوره دوم، ش ۳، س ۱۳۸۷.

۲۴- وطن پور، علیرضا: **مباحث پایه‌ای و رهیافت‌های مطالعاتی پیرامون قاچاق کالا**، نشریه کارآگاه، دوره دوم، سال دوم، ش ۸، س ۱۳۸۸.

۲۵- ولیدی، محمدصالح: **حقوق کیفری اقتصادی**، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.

۲۶- ولیدی، محمدصالح: **نگاهی به موقعیت کیفری اقتصادی در ایران**، ماهنامه دادرسی، ش ۴۰، س ۱۳۸۲.

27- Bassiouni, M.cherif: **Effective national and international action organized crime and terrorist criminal activities**, Emory international Law Review, vol.4, fall 1990.

28- Maltz, Michael D.: **Crime and delinquency on defining organized crime**, U.S.A, 1976.

29- Shell, Louise I.: **The threat to world order**, in James D.Torr{Ed}, organized crime, Green haven Press in San diago, 1999.

30- Sutherland,EdvinH.and DonaldR.cressy:**Criminology**,J.B.Lip-pincott, U.S.A, 1978.

